

فقه احادیث: مباحث نقل به معنا

تألیف:

دکتر احمد پاکتچی

انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)
تهران: بزرگراه شهید چمران،
پل مدیریت
تلفن: ۸۸۳۷۰۱۴۲
صندوق پستی: ۱۴۶۵۵-۱۵۹
E-mail: isu.press@yahoo.com
فروشگاه اینترنتی:
www.ketabesadiq.ir



دانشگاه امام صادق (ع)

فقه الحدیث: مباحث نقل به معنا ■ تالیف: دکتر احمد پاکچی ■ ناشر: دانشگاه امام صادق (ع)
چاپ اول (نوبت دوم): ۱۳۹۳ ■ قیمت: ۵۰۰۰ ریال ■ نسخه: ۱۰۰۰
چاپ و صحافی: زلال کوثر ■ شابک: ۹۷۸۶۰۲۱۴۴۱۲۶

همه حقوق محفوظ و متعلق به ناشر است.

سرشناسه: پاکچی، احمد - ۱۳۴۲
عنوان و نام پدیدآور: فقه الحدیث: مباحث نقل به معنا / تالیف احمد پاکچی.
مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهري: ۶۱۶ ص.
فروست: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع): ۶۳۷ مطالعات قرآن و حدیث: ۳۵.
شابک: ۹۷۸۶۰۲۱۴۴۱۲۶
موضوع: نقل حدیث به معنا
موضوع: حدیث - علم الدرایه
موضوع: نقل به معنا
شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)
رده بندی کنگره: ۷۷/۱۱۳/۲/۷
رده بندی دیوبونی: ۲۷/۱۷۱
شماره کتابخانه ملی: ۳۷۴۴۰۱۶

فهرست اجمالی

سخن ناشر.....
مقدمه.....
بخش اول: مباحث پیشینی	
۱۵.....
۱۷.....
۲۱.....
۲۳.....
۳۳.....
۴۹.....
۱۲۹.....
بخش دوم: تبیین ترجمه شناختی نقل به معنا	
۱۴۷.....
۱۴۹.....
۱۵۵.....
۱۶۱.....
۱۶۹.....
بخش سوم: مسائل هم ارزی در طبع واژه	
۱۸۳.....
۱۸۷.....
۲۰۹.....
۲۷۹.....

فصل ۱۲. روابط نحوی در گشтар	۳۴۷
فصل ۱۳. روابط تحقیقی - کاربردی	۳۶۳
فصل ۱۴. روابط تاریخی	۳۹۹
بخش چهارم: سائل هم ارزی دلخواه	
فصل ۱۵. گشтарهای نحوی - شکلی	۴۲۳
فصل ۱۶. گشтарهای معنایی خاص	۴۵۵
فصل ۱۷. گشтарهای نشانه شناختی	۵۰۷
منابع و مأخذ	
نامایه	۵۷۷

مقدمه

دانش فقه‌الحدیث، به عنوان حوزه‌ای از علوم دینی که متصلی فهم احادیث و مسائل مربوط به آن است، با وجود اهتمام عالمان اسلامی از اصناف مختلف، شامل محدثان و فقیهان و متكلمان در طی سده‌های متتمادی، هنوز آن جایگاهی که شایسته آن است، به دست نیاورده است. شاید در طی سده‌های گذشته، کوشش‌های عالمان پاسخگوی بسیاری از نیازهای آن اعصار بوده باشد، ولی گستره نیازهای عصر حاضر از یک سو، و مواجهه با پرسش‌های فراوان برآمده از اندیشه‌ورزی‌های معاصر از سوی دیگر نیازمند آن است تا کوششی افزون در حوزه فهم احادیث صورت پذیرد. در میان مباحث فقه‌الحدیث، یکی از حوزه‌هایی که می‌تواند از این حیث اهمیتی ویژه داشته باشد، حوزه نقل به معناست. نقل به معنا پدیده‌ای است که از همان عصر صحابه و تابعین رخ داده و تا اعصار متأخر و معاصر ادامه یافته است. نقل به معنا فارغ این که درباره مجاز بودنش چه اقوال و شروطی وجود دارد و فارغ از این که چقدر سودبخش یا آسیب‌رسان شمرده شود، پدیده‌ای است که در واقعیت دنیای حدیث و در مقام تحقیق، در حد گستردگی رخ داده است و می‌توان گفت تاریخ نقل به معنا منطبق با تاریخ کل حدیث است. همه در طول قرون می‌دانسته‌ایم و می‌دانیم که حجم وسیعی از احادیث ما به حسب معنا و نه رعایت لفظ از معصومین (علیهم السلام) نقل شده‌اند، ولی غالباً بحث‌ها درباره آن گذرا و

اندک است و حتی اگر مباحثی هم مختصرآ شکل گرفته، مربوط به مناقشه در اصل جواز، یا مناقشه در شروط نقل به معناست و یافتن مباحثی در گونه‌شناسی نقل به معنا یا علاج نقل به معنا بسیار دشوار است.

حتی در میان معاصران، در میان کسانی که در حوزه فقه‌الحدیث تحقیقات نظری و عملی داشته‌اند، توجه به نقل به معنا بسیار محدود دیده می‌شود؛ در شمار این اندک موارد می‌توان به کتاب اصول و قواعد فقه‌الحدیث، از آقای محمد حسن ربانی (در ۱۳۸۳ش)، اشاره کرد که ذیل قاعده سوم از قواعد فقه‌الحدیث با عنوان قاعده رجوع به منابع اولیه حدیث، بحثی را با عنوان «اختلاف دو نسخه در یک حدیث» و پرسش از این که چنین اختلافی از باب تعارض است یا خیر، گشوده و صفحاتی در باب نقل به معنا سخن گفته است (ص ۱۱۱ب). فراتر باید از کتاب آسیب‌شناسی حدیث، از آقای عبدالهادی مسعودی (در ۱۳۹۲ش) یاد نمود که یک درس‌نامه در حوزه مطالعات حدیثی از منظر آسیب‌شناسی است و نویسنده در آن کتاب، در بخش آسیب‌های ماده پژوهش و در درس هفتم که عنوان «نقل به معنا و آهنگ سخن» دارد، نیمی از این فصل را گذاری بر مباحث نقل به معنا اختصاص داده است (ص ۹۵-۱۰۴). نگارنده اثر حاضر نیز در کتابی با عنوان فقه‌الحدیث، با تکیه بر مسائل لفظ (در ۱۳۹۲ش)، در بخش سوم از کتاب با عنوان «تحریف و تصرفات متنی در حدیث»، فصل ۱۳ را به نقل به معنا اختصاص داده و مروری گذرا بر مباحث نظری نقل به معنا و مواضع نقل به معنا داشته است. البته نگارنده همان زمان که به دنبال آماده‌سازی کتاب فقه‌الحدیث بود، عملاً به این نتیجه رسیده بود که به سبب گستره بحث، امکان توسعه مبحث نقل به معنا در آن مجال نبود و لازم می‌آمد که به اثر مستقلی موکول گردد که اکنون تقدیم خوانندگان می‌شود.

به عنوان توضیحی از نظر جغرافیای بحث، باید یادآور شد که اثر حاضر، کوشش در جهت گونه‌شناسی نقل به معناست که به نظر می‌رسد بتواند پایه‌ای برای توسعه این حوزه از علوم حدیث باشد؛ اما مباحث مربوط به علاج نقل به معنا شامل روال‌های تشخیص نقل به معنا و روش بازسازی متن اصلی از خلال نقل به معنا - با وجود آن‌که در قالب درس‌هایی از سوی نگارنده ارائه شده - اما باز به سبب گستردگی به فرصتی

دیگر احواله شده است. در مطالعه حاضر، مؤلف کوشیده است تا از برخی دستاوردهای دو حوزه معناشناسی و ترجمه‌شناسی در علم زبان‌شناسی و همین‌طور برخی از نکته‌سنجهای منطقیان و اصولیان استفاده کند و با الگوسازی و نشان دادن یک به یک الگوها در نمونه‌های واقعی از احادیث، گونه‌های نقل به‌معنا را در آشتی نظریه و عمل نشان دهد.

در متن کتاب، برای نشان دادن این الگوها از انبوهی احادیث برگزیده از کتب شیعه و اهل سنت استفاده شده است؛ با وجود آن‌که نگارنده طیفی از احادیث ذکر شده در کتاب را قابل نقد از حیث اعتبار می‌داند، ولی به عنوان مثالی برای نقل به‌معنا ضرورتی برای این سختگیری وجود نداشته است؛ بر همین پایه، اساساً نقد حدیث از حیث صدور یا حجیت مسأله این کتاب نبود و نگارنده درباره درستی محتواهای این احادیث موضع تأییدی ندارد، بلکه باور دارد که برخی از آنها در معرض تحریف، و برخی از آنها اساساً موضوع‌اند.

در بحث از گونه‌ها، گاه نمونه‌ها بسیار فراوان بودند که لازم بود از میان دهها مثال یافت شده، یک یا دو مورد انتخاب گردد و گاه روزها صرف وقت لازم بود تا نمونه‌ای برای یک گونه یافت شود. به‌همین سبب، در معرفی گونه‌های مختلف، طیف منابع مورد استناد نیز بسیار متنوع‌اند. گاه از برخی کتب نامشهور حدیث مانند اجزاء نمونه‌ای آمده است، ولی نگارنده همواره ترجیح بر آن داشته تا حد ممکن نمونه‌ها از متون معتبر نزد فریقین انتخاب شوند. حجم گسترده احادیث منشول از متون معتبر شیعه مانند کتب اربعه و اهل سنت مانند صحاح سته، خود وسیله‌ای است که می‌تواند ابعاد نقل به‌معنای انجام گرفته در کتب حدیثی فریقین را نشان دهد. اگر خوانندگان در نقل برخی از احادیث با حجم انبوه منابع ذکر شده مواجه هستند، این کثرت منابع نه با هدف قلم‌فرسایی و حجم‌افزایی، بلکه با این هدف بوده است که بتواند به خواننده یک برآورد نسبی درباره عملکرد محدثان و تدوین‌گران حدیث ارائه دهد. این کثرت منابع، به خصوص در جایی بیشتر مورد تأکید بوده که حدیث از طریق صحابیان متعدد نقل شده و لازم بوده است عملکرد صحابیان نیز با یکدیگر سنجدیده شود. به هنگام بحث از حالت‌های دوگانه یا چندگانه در روایت یک حدیث، یا همه

آنچه در اختیار داریم نقل بهمعناست و اصل لفظ از دست رفته است، یا یکی از حالت‌ها اصل و بقیه نقل بهمعناست. در متن حاضر، از آنجا که هدف گونه‌شناسی است، رویکردی کاملاً خنثی به این مسأله وجود دارد و هرگز داوری صورت نمی‌گیرد که کدام یک از دو یا چند حالت اصل هستند. تشخیص اصل از فرع در مواردی که اصل باقی مانده است، و بازسازی اصل از خلال نقل بهمعناهای موجود، چنان‌که در سطور پیش‌گفته شد، خود موضوع اثری مستقل است که انشاء‌الله بهزودی تقدیم خواهد‌گان خواهد شد. از جمله پژوهش‌هایی که برای آینده دورتر پیش‌بینی می‌شود این است که دانش ما در مطالعه نقل بهمعنا به حدی برسد که بتوانیم با تحلیل داده‌ها نشان دهیم راویان کدام بوم، کدام فرقه و حتی کدام شخص به نقل بهمعنا و به کدام‌گونه از نقل بهمعنا متمایل بوده‌اند. اگر این نقطه قابل دسترسی باشد، با ترکیب این ابزار تحلیل و ابزارهای سندپژوهی می‌توان به‌گونه‌های جدیدی از نقد سندي دست یافت که فراتر از جرح و تعدیل ستی، بتوان شیوه نقل بهمعنای راویان یا به عکس، درباره شیوه پیروی آنان از لفظ را در نقد وارد ساخت و از آن در جهت بهره‌گیری محتوایی از حدیث سود برداشته باشند. به‌نظر می‌رسد می‌توان یک دانش توسعه یافته نقل بهمعنا را پیش‌بینی کرد و دستمایه همه این گامها، همین گونه‌شناسی است. امیدوارم جامعه حدیث‌پژوهان این اثر ناقابل را به دیده قبول بنگرند و با تحقیقات خود، زمینه وارد شدن در مراحل پسین و توسعه دانش نقل بهمعنا را فراهم سازند.

همین جا شایسته است از دوست عزیزم جناب آقای مرتضی سلمان نژاد که مشوق بنده در تدوین این اثر و پیگیر در مسیر انتشار آن بودند، تقدیر و تشکر نمایم.